

پرسش‌هایی که آینده صنعت برق ایران را شکل می‌دهند

● نقش ذخیره‌سازهای انرژی، شبکه‌های هوشمند و مدیریت مصرف در موفقیت این برنامه چیست؟

● توسعه تجدیدپذیرها چه اثری بر مصرف سوخت، منابع آب، اقتصاد انرژی، کاهش انتشار آلاینده‌ها و امنیت انرژی کشور خواهد داشت؟

● و در نهایت، چگونه می‌توان میان نیروگاه‌های حرارتی، برق آبی، هسته‌ای و تجدیدپذیر، توازن برقرار کرد که هم پایداری شبکه حفظ شود و هم مسیر توسعه آینده صنعت برق هموارتر گردد؟

اما روایت صنعت برق، تنها روایت نیروگاه‌ها نیست. در کنار توسعه ظرفیت تولید، موضوعاتی همچون توسعه شبکه انتقال و توزیع، هوشمندسازی شبکه، افزایش بهره‌وری، مدیریت مصرف، توسعه فناوری، بومی‌سازی تجهیزات، مدل‌های نوین تأمین مالی، نقش بازار سرمایه، مشارکت صنایع و بخش خصوصی، اصلاح نظام حکمرانی و ارتقای سرمایه انسانی نیز بخشی از همین روایت هستند. اگر هر یک از این حلقه‌ها نادیده گرفته شود، تصویر ارائه شده از آینده صنعت برق، تصویری ناقص خواهد بود.

از سوی دیگر، آینده صنعت برق را نباید در رقابت میان فناوری‌ها جست‌وجو کرد. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که امنیت انرژی زمانی تقویت می‌شود که منابع مختلف تولید برق، زیرساخت‌های شبکه، سامانه‌های ذخیره‌سازی، مدیریت بار و فناوری‌های نوین در قالب یک راهبرد واحد و مکمل یکدیگر توسعه یابند. پرسش اصلی این نیست که کدام فناوری جایگزین دیگری خواهد شد؛ بلکه این است که چگونه می‌توان از ظرفیت هر فناوری، در جایگاه مناسب خود، برای افزایش تاب‌آوری و پایداری شبکه استفاده کرد.

این پرونده نیز با همین نگاه تدوین شده است. نه برای آنکه پاسخ نهایی همه این پرسش‌ها را ارائه کند، بلکه برای آنکه با کنار هم قرار دادن دیدگاه‌های کارشناسی، روایت مدیران، تجربه‌های اجرایی، داده‌های آماری و برخی ابهامات مطرح شده، زمینه‌ای برای گفت‌وگویی دقیق‌تر درباره آینده صنعت برق ایران فراهم آورد.

شاید مهم‌ترین ارزش این پرونده، نه در ارائه پاسخ‌های قطعی، بلکه در طرح پرسش‌هایی باشد که آینده این صنعت را رقم خواهند زد. زیرا سیاست‌گذاری عمومی، زمانی قابل ارزیابی است که ابتدا مسئله به‌درستی تعریف و پرسش‌ها به‌دقت صورت‌بندی شوند.

تحولات بزرگ، معمولاً زمانی آغاز می‌شوند که پاسخ‌های گذشته دیگر پاسخگوی مسائل جدید نباشند.

صنعت برق ایران نیز امروز در چنین نقطه‌ای قرار دارد. توسعه شتابان انرژی‌های تجدیدپذیر، صرفاً به معنای اضافه شدن چند نیروگاه خورشیدی و بادی به شبکه برق نیست؛ بلکه نشانه تغییری در نگاه به امنیت انرژی، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، فناوری، حکمرانی انرژی و شیوه برنامه‌ریزی برای آینده صنعت برق است. در چنین شرایطی، طبیعی است که پرسش‌ها نیز پیش از گذشته شوند. هر تصمیم بزرگ ملی، به همان اندازه که امید و انتظار ایجاد می‌کند، ابهام، نقد و مطالبه‌گری را نیز به همراه دارد. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز از این قاعده مستثنا نیست. امروز، این حوزه تنها موضوعی فنی یا محدود به متخصصان صنعت برق نیست؛ بلکه به مسئله‌ای ملی تبدیل شده که با اقتصاد، محیط‌زیست، صنعت، سرمایه‌گذاری، امنیت انرژی و حتی کیفیت زندگی مردم پیوند خورده است. به همین دلیل، هرگونه قضاوت درباره این مسیر، نیازمند شناخت ابعاد مختلف آن است. قضاوتی که تنها بر پایه چند آمار، چند تیر خبری یا چند پروژه در حال اجرا شکل بگیرد، نمی‌تواند تصویری کامل از واقعیت ارائه دهد. از همین رو، این پرونده تلاش می‌کند پیش از ارائه پاسخ، ابتدا پرسش‌های اصلی را روشن کند؛ زیرا کیفیت هر پاسخ، به کیفیت پرسشی بستگی دارد که پیش از آن مطرح شده است.

پرسش‌هایی از این دست:

● آیا توسعه تجدیدپذیرها به معنای کاهش نقش نیروگاه‌های حرارتی، برق آبی یا هسته‌ای است؟
● آیا این منابع می‌توانند به تنهایی پاسخگوی ناترازی برق کشور باشند؟

● چرا امروز توسعه تجدیدپذیرها با چنین سرعتی دنبال می‌شود، در حالی که سال‌ها در اسناد توسعه حضور داشتند اما اولویت اجرایی نبودند؟

● تفاوت میان ظرفیت هدف‌گذاری شده، قراردادهای منعقد شده، پروژه‌های در حال احداث و ظرفیت واقعی وارد شده به مدار چیست؟

● تجهیزات این نیروگاه‌ها از کجا تأمین می‌شوند و نسبت میان واردات، انتقال فناوری و ساخت داخل چگونه تعریف شده است؟

● آیا شبکه انتقال و توزیع، آمادگی پذیرش هزاران مگاوات ظرفیت جدید را دارد؟

